

روش‌شناسی طرح موضوع مهدویت در قرآن

محمد مهدی حائری پور^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۴

چکیده

مهدویت یک عقیده اسلامی و فرامذهبی است که ریشه در قرآن و روایات فریقین دارد. ولی مخالفان شیعه برای به چالش کشیدن شیعیان و مبارزه با مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) تلاش می‌کنند که مهدویت شیعه و مهدی شیعیان را امری موهوم و خیالی جلوه دهند. آنها به ویژه تلاش می‌کنند این گونه القا کنند که مهدویت هیچ مستند قرآنی ندارد و از این رهگذر به تضعیف مبانی تفکر شیعی در باب مهدویت و غیبت آن حضرت بپردازند؛ در حالی که لازمه راه یافتن و شناختن موارد و مصادیق بیان مسئله مهدویت در قرآن، آشنایی با زبان قرآن است؛ ادعای ما این است که مهدویت در قرآن در قالب ذکر هدف و غایت بعثت انبیاء و نیز غایت و هدف از خلقت انسان بیان گردیده است.

واژگان کلیدی

مهدویت، قرآن، اهداف، عدالت، عبودیت.

مقدمه

گفتنی است که براساس عقیده مسلم اسلامی، مستندات یک باور دینی، آیات قرآن و نیز روایات معتبر اسلامی است و تکیه بر قرآن به تنهایی به معنی تمسک به یکی از ثقلین و برخلاف صریح وصیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است؛ بنابراین مسلمانان در اثبات عقاید دینی خود به هر دو ثقل یعنی قرآن و عترت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) متمسک می‌شوند و در هر یک از این دو منبع نورانی، سند و مدرک عقیده مورد نظر را بیابند به آن اخذ می‌کنند ولی در این مقاله غرض از بحث، پاسخ دادن به ادعای باطل عدم وجود شواهد قرآنی در موضوع مهدویت است چنان‌که قرضای،^۲

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم، ایران (mm.haeri313@gmail.com).

۲. دکتر یوسف عبدالله قرضای در سال ۱۹۲۶ در یکی از روستاهای حومه محله الکبرای استان غربی مصر، در

مفتی بزرگ وهابی این‌گونه ادعا کرده است: «قضیه المهدی کلها لا أصل لها فی القرآن و لم يتحدث عنها بالعبارة و لا بالإشارة»؛^۱ یعنی قضیه مهدویت، در قرآن - نه به صراحت و نه به اشاره - نیامده است و ناصر القفاری نویسنده وهابی کتاب *اصول مذهب الشیعه عرض و نقد* و نیز عثمان الخمیس نویسنده کتاب *عجیب‌ترین دروغ تاریخ* در همین راستا ادعاهایی داشته‌اند.

ناصر القفاری در رد استناد به قرآن در موضوع مهدویت نوشته است:

امامیه عنایت ویژه‌ای نسبت به اقامه برهان بر اثبات غیبت مهدی دارند از همین رو آنها به کتاب خداوند رو آورده و می‌خواهند در آن برای اعتقاد خود سندی بیابند ولی وقتی که به خواسته خود دست نیافتند از سر عادت به تأویل باطنی که همراه با تکلف بسیار و بیهوده‌گویی فراوان است رو آوردند و بسیاری از آیات قرآن را به همین روش تأویل کردند.

در اصل اصول تفاسیرشان (تفسیر قمی) درباره این سخن خداوند ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾ (لیل: ۲) چنین آمده است، فرمود: روز، همان قائم ما اهل بیت است... و در صحیح‌ترین کتب اربعه‌شان درباره این آیه ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ (ملک: ۳۰) چنین آمده است، فرمود: وقتی که امام‌تان از شما غائب شود چه کسی برای‌تان امام جدیدی خواهد آورد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۴۰) و در تفسیر عیاشی درباره این سخن خداوند سبحان ﴿وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ﴾ (توبه: ۳) چنین روایت کرده که [امام] فرمود: مقصود خروج قائم است و اذان دعوت اوست به سوی خودش (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲،

خانواده‌ای متدین به دنیا آمد. در سن پنج سالگی به منظور حفظ قرآن کریم به مکتب‌خانه رفت و پیش از ده سالگی حافظ کل قرآن شد سپس در شهر طنطا دوره‌های دانش‌سرای مقدماتی و دانش‌سرای عالی دینی را گذرانید و برای ادامه تحصیل به قاهره رفت و به دانشکده اصول دین راه یافت. در سال ۱۹۵۷ به مؤسسه تحقیقات و مطالعات زبان عربی وابسته به جامعه کشورهای عربی وارد شد و دیپلم عالی زبان و ادبیات عربی را دریافت نمود و در همین سال‌ها دوره سه ساله دکترای دانشکده اصول دین را نیز با موفقیت در سال ۱۹۶۰ به پایان رسانید. در سال ۱۹۵۱ سرپرستی امور دینی وزارت اوقاف مصر در رابطه با خطابه و تدریس و سرپرستی مساجد و سردبیری انجمن ائمه جماعات را عهده‌دار گردید و در سال ۱۹۵۹ در اداره فرهنگ اسلامی الأزهر مشغول به کار شد و مطبوعات و انتشارات را زیر نظر گرفت. در سال ۱۹۶۱ برای مدیریت یک مدرسه علوم دینی نوبنیاد به کشور قطر دعوت شد. سپس دانشکده علوم تربیتی قطر تأسیس شد و به عنوان استاد و رئیس گروه مطالعات اسلامی به آن دانشکده منتقل گردید و تا به امروز، در این مرکز مشغول به تدریس است. اما دانش‌پژوهی او در محدوده علوم اسلامی متوقف نمانده و همواره اصرار داشته است که در ادبیات، تاریخ، فلسفه، علوم تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و مکتب‌های فکری معاصر نیز صاحب نظر باشد. قرضای اکتون رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان است (پایگاه شبکه الکوثر: fa.alkawthartv.com).

۱. ر.ک: پایگاه تحقیقاتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه.

در این قسم از تأویل، مثال‌های فراوانی وجود دارد تا آن‌جا که درباره آن کتاب‌های مستقلی به رشته تحریر درآوردند مانند *المحججه فی ما نزل فی القائم الحججه* که یکی از رافضه‌های معاصر آن را تحقیق کرده است و مؤلف آن بیش از ۱۲۰ آیه از کتاب خداوند را به مهدی منتظرشان تأویل کرده تأویلاتی که افتضاحش قابل پنهان کردن نیست ولی محقق به این تعداد از آیات قانع نشده و دوازده آیه به آن افزوده و در آخر کتاب به عنوان مستدرک المحججه آن را آورده است. ... می‌بیند در این تأویلات باطنی که برای اثبات غیبت مهدی‌شان به آن تمسک بسته‌اند غلو شدیدی می‌یابد و مشاهده می‌کند که این کار تحریف کتاب خداوند است نه استدلال به آن و این به وضوح بر فاسد بودن اساس این دیدگاه دلالت دارد (القفاری، بی‌تا: ۱۰۴۷).

سخن ما این است که گرچه تفسیر قرآن با عنایت به روایات اهل بیت علیهم‌السلام - حتی روایاتی که آیات را به تأویل برده است - مسیر درست و صوابی است زیرا ایشان بهترین مفسرانند که در گفتار ایشان هیچ خطایی نیست ولی این تنها راه نیست و در این مقاله ما نه از راه تأویل آیات (و روایات ذیل آنها)، که از مسیر دیگری به اثبات مهدویت در قرآن خواهیم پرداخت.

لزوم آشنایی با زبان قرآن

قرآن کتاب هدایت انسان‌ها به سر منزل سعادت است و برای این آنچه بشر در ابعاد مختلف به آن نیاز داشته است را با زبانی شیوا و رسا بیان کرده است:

﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ...﴾ (نحل: ۸۹)؛

و بر تو این کتاب را نازل کردیم که روشنگر هر چیز است ...

ولی همه معارف را در یک قالب و با شیوه واحد نفرموده است بلکه از قالب‌های گوناگون بیانی بهره برده است و آنها که در جست‌وجوی معارف قرآنی هستند باید با این تنوع بیانی قرآن آشنا باشند.

برای مثال، شیوه قرآن در تبیین و توضیح تاریخ گذشتگان، بیان مصادیق کلی و در بخشی از موارد بیان مصادیق جزئی است ولی آن‌گاه که به آینده جهان و عاقبت انسان‌های مؤمن و کافر و جوامع صالح و غیرصالح می‌پردازد به بیان سنت‌ها و نیز اهداف الهی از آفرینش و غایت‌ها و نتایج می‌پردازد و از مجموعه این فرآیند تصویر روشنی از آینده ارائه می‌کند.

در یک تقسیم‌بندی می‌توان گفت که قرآن کریم در تبیین معارف خود از سه روش بهره

برده است:

الف) بیان مصداق و تصریح به نام

با مطالعه آیات قرآن، روشن می‌شود که در موارد فراوانی، قرآن برای بیان معارف، از بیان صریح استفاده کرده است مانند این که تعدادی از پیامبران الهی از جمله رسول مکرّم اسلام ﷺ را با صراحت به عنوان نبی و رسول از آنها یاد کرده و به مردم معرفی کرده و اطاعت از ایشان را واجب ساخته است. چنان که فرموده است:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ (فتح: ۲۸).

و نیز فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ...﴾ (نساء: ۵۹).

ب) بیان مصداق با توجه به ویژگی‌ها

در بخش‌های زیادی از آیات قرآن کریم به جای تصریح به یک حقیقت، صفات و ویژگی‌هایی را بیان می‌کند و مخاطبان را از این رهگذر به آن حقیقت یا معرفت ناب، رهنمون می‌گردد مانند نمونه زیر:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مائده: ۵۵).

در این آیه پس از تصریح به ولایت خدا و رسول او، علی‌علیه نیز به عنوان ولی مؤمنان معرفی گردیده است ولی به جای تصریح به نام آن حضرت، به توصیف و بیان ویژگی‌های آن حضرت پرداخته و از این راه او را معرفی کرده است. مفسران و متکلمان شیعه و سنی اجماع دارند که این آیه در شأن امام علی‌علیه نازل شده است (تفتازانی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۲۸۸).

ج) بیان سنن و قواعد جهان و آینده انسان

در آیات بسیاری، قرآن کریم به بیان سنت‌ها و قواعد کلی حاکم بر جهان و زندگی انسان پرداخته و در قالب این‌گونه بیان، حقائق بلند از زندگی بشر و به ویژه سنت‌های حاکم بر اجتماع انسانی را بیان کرده است مانند آیات زیر:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵).

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵).

در این آیات، سخن از یک اراده قطعی و حتمی الهی است که براساس سنت‌های او در جهان رخ خواهد داد و صالحان، حاکمان زمین خواهند شد.^۱

روش‌های طرح موضوع مهدویت در قرآن

با توضیح فوق، باید گفت مسئله مهدویت که چشم‌انداز روشن بشر در همه ادیان الهی و بلکه آرمان‌های انسانی است و عاقبت نیک مؤمنان در این عالم و فرجام بد کافران و مشرکان را رقم خواهد زد در جای جای آیات قرآن بیان گردیده است و البته نه با تصریح به نام مهدی علیه السلام بلکه با توصیف ویژگی‌های حکومت او و نیز با تعریف و تبیین روشن سنت‌ها و اهداف الهی که نتیجه قهری و طبیعی آن حکومت صالحان بر زمین خواهد بود.

بنابراین باید گفت که برخلاف ادعای مخالفان، بحث از مهدویت و امام مهدی علیه السلام در آیات فراوانی از قرآن مطرح شده است و این مسئله که از مهم‌ترین معارف الهی و واقعیات جهان است و غایت خلقت و بعثت انبیاء و اولیاء و آینده روشن بشریت است نمی‌تواند از منظر قرآن دور مانده باشد. ولی مهم این است که در این بخش به زبان قرآن در چگونگی توصیف و ترسیم مهدویت، توجه داشته باشیم و از اشارات و لطائف قرآنی در این بخش غافل نمانیم.

چشم‌انداز آینده بشریت در قرآن

انسان براساس فطرت کمال‌جو و سعادت‌خواه خود، همیشه با داشتن آرمان‌های بلند و آرزوهای متعالی، رو به آینده‌ای زیبا و باشکوه دارد و دوست دارد در اندیشه خود آینده را ظرف تحقق خواسته‌ها و اهداف خود بداند و البته گاهی سنگینی مشکلات و تباهی‌های روزافزون جوامع انسانی، بر این امید به آینده روشن سایه می‌اندازد ولی در این میان، وحی به معنای عام آن و قرآن به عنوان برترین کتاب آسمانی و کامل‌ترین نسخه سعادت بشر، با ترسیم جامعه‌ای آرمانی و مطلوب، بر اراده و خواست انسان‌ها تأثیر می‌گذارد و باعث حرکت شتاب‌دهنده انسان مؤمن به وعده‌های الهی، می‌گردد. به عبارت روشن‌تر، آرمان‌گرایی قرآنی، افکار و اندیشه مسلمانان را همواره متوجه آینده کرده و آنان را برای رسیدن به آن جامعه کامل تشویق نموده است. این امر به اندازه‌ای مهم، قطعی و شایسته توجه است که خدای متعال خود با صراحت،

۱. در ادامه به تفصیل در این موضوع بحث خواهیم کرد.

تحقق جامعه آرمانی اسلامی را بر روی زمین وعده داده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور: ۵۵).

مهم‌ترین هدف و برنامه این جامعه رسیدن به عبودیت و بندگی خالص است که همانا در پرتو ایمان و عمل صالح به دست می‌آید. جامعه آرمان‌گرای قدسی، با نگاه جامع و دقیق به آینده برای اعلاای کلمه الله و حاکمیت عقلانیت، معنویت و عدالت می‌کوشد. براساس آرمان‌گرایی قرآنی، شرط رسیدن به این جامعه مطلوب، اراده‌های توانمند و پرتلاش انسان‌ها است.

از نظر قرآن هدف از آفرینش انسان، عبادت خدا (در معنای وسیع آن) است و انبیاء همه برای بیان همین معنا آمده‌اند تا انسان با وصول به این هدف، با جهان هستی و سنت‌های حاکم بر آن هماهنگ باشد.

مهم‌ترین رکن این رویکرد قرآنی، باور به یک آینده قطعی، حتمی، روشن و واقعی است. این جامعه موعود، چراغ راه و کانون محوری فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های مؤمنان است و بر همه شئون زندگی ایشان اثر می‌گذارد.

با این رویکرد، مؤمنان، ایمان دارند که برای بشریت تنها یک آینده وجود دارد و آن آینده‌ای است متعلق به ایشان؛ چنان‌که بارها در قرآن عزیز فرموده است: «... وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸) و این همان جامعه آرمانی قرآن و آینده موعود الهی است که در مهدویت تجلی یافته است.

بنابراین، دیدگاه قرآن درباره سرانجام بشر، دیدگاهی خوش‌بینانه بوده و پایان دنیا، پایانی روشن و سعادت‌آمیز دانسته شده است. سرانجام سعادت‌مند جهان، همان تحقق کامل غرض آفرینش انسان‌ها است که چیزی جز عبادت خداوند نخواهد بود و از نظر قرآن مشیت الهی براین تعلق گرفته که در آینده، فقط صالحان وارثان زمین خواهند بود:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵).

یعنی ایشانند که حکومت جهان و اداره امور آن را به دست خواهند گرفت و حق و حقیقت در موضع خود استوار بوده و باطل برچیده خواهد شد. همه جهانیان زیر لوای حکومت صالحان قرار گرفته و حکومت واحدی بر جهان مستولی خواهد شد. آینده در قرآن کریم مبتنی بر وعده

تحقق یک جامعه کامل و مطلوب، تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام، بسط دین اسلام، غلبه آن بر همه ادیان، زمامداری صلحا و ارباب لیاقت و پیروزی حزب الله است.

نتیجه این‌که درباره آینده جهان و ظهور و قیام منجی موعود و تشکیل جامعه آرمانی مهدوی، می‌توان توصیفات و اشارات زیر را از قرآن به دست آورد:

غلبه نهایی حق بر باطل و شکست قطعی جبهه کفر و نفاق چنان‌که فرموده است:

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ (اسراء: ۸۱).

جانشینی و خلافت مستضعفان بر روی زمین و حاکمیت صالحان و نیکان چنان‌که فرموده

است:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵).

گسترش و فراگیری دین حق (اسلام) در برهه‌ای خاص از زمان چنان‌که فرموده است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (توبه: ۳۳).

بنابراین، آرمان شهر قرآنی همان مهدویت و حکومت جهانی مهدی علیه السلام است و با این رویکرد بیانی، قرآن کریم به تبیین مهدویت، پرداخته است گرچه در هیچ یک از این بیانات، به صراحت از مهدی و حکومت او نام نبرده است.

حکومت مهدی علیه السلام و اهداف انبیاء

یکی از موضوع‌های برجسته قرآن در داستان پیامبران الهی، اهداف بعثت انبیاست و این‌که ایشان برای چه هدف و یا اهدافی، در جامعه انسانی، قیام کرده‌اند. چنان‌که در روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در موضوع مهدویت نیز یکی از محورهای مهم، اهداف عالی این قیام و انقلاب پایانی تاریخ است. دقت در این موضوع و بررسی تطبیقی آن، هماهنگی کامل قرآن و مهدویت را در اهداف و آرمان‌ها نشان می‌دهد و این حقیقت مهم را اثبات می‌کند که اندیشه مهدویت ریشه در قرآن داشته و تحقق عینی و عملی اهداف انبیاست.

توضیح این حقیقت این‌گونه است که یکی از اهداف مهم انبیاء اجرای عدالت است که ابعاد گوناگون آن در قرآن به شرح زیر است:

۱. مسئله عدالت در قرآن

قرآن کریم درباره اهمیت عدل و آثار آن آیات فراوانی دارد و در حوزه‌های گوناگون فردی و اجتماعی بر آن تأکید کرده است:
در جایی می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...﴾^۱

و در جای دیگر:

﴿... اغْدُلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى...﴾^۲

این‌که خداوند به عدالت به شکل مطلق امر می‌کند به معنی آن است که در همه موارد و از همگان عدالت را می‌خواهد؛ چنان‌که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان رسول الهی، مأمور به عدالت و اجرای آن در اجتماع می‌شود؛^۳ تا به پیروی از او دیگران به دنبال اجرای عدالت باشند و از این رهگذر هدف و غایت ارسال رسل و انزال کتب آسمانی تحقق یابد و همه برای اجرای عدالت قیام کنند چنان‌که همه پیامبران خداوند مأمور به اجرای عدالت اجتماعی بودند.^۴ البته این عدالت خواهی قرآن محدود به اجتماع نبوده بلکه حتی حوزه‌های کوچک مانند خانه و خانواده را نیز شامل می‌شود.^۵

۱. همانا خداوند (مردم را) به عدل و احسان و دادن (حق) خویشاوندان، فرمان می‌دهد و از کارهای زشت و ناپسند و تجاوز، نهی می‌فرماید او شما را موعظه می‌کند باشد که متذکر شوید (نحل: ۹۰).

۲. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا با تمام وجود قیام کنید و به انصاف و عدالت گواهی دهید و هرگز دشمنی با قومی، شما را به بی‌عدالتی وادار نکنند. به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیک‌تر است و از خداوند پروا کنید که همانا خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (مائده: ۸).

۳. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «... وَاسْتَقِيمْ كَمَا أَمَرْتِ وَلَا تَتَّبِعِ أَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ...» (شوری: ۱۵)؛ ... و آن چنان‌که مأمور شده‌ای استقامت نما، و از هوا و هوس‌های آنان پیروی مکن، و بگو: به هر کتابی که از سوی خدا نازل شده ایمان آورده‌ام و مأمورم در میان شما عدالت کنم...

۴. قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَيَلْعَلَّمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: ۲۵)؛ ما رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق و قوانین عادلانه) نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند، و آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است، و منافی برای مردم، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کنند بی‌آن‌که او را ببینند، خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

۵. قرآن می‌فرماید: «... فَانْكُحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاجِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَّا تَعُولُوا» (نساء: ۳)؛ و با زنان پاک (دیگر) ازدواج کنید، دو یا سه یا چهار همسر، و اگر می‌ترسید عدالت (در باره همسران متعدد) رعایت نکنید تنها به یک همسر قناعت نمائید و یا از زنانی که مالک آنها هستید استفاده کنید. این کار بهتر از ظلم و ستم، جلوگیری می‌کند...

از آیات قرآن استفاده می‌شود که انبیاء برای تحقق عدالت فکری و اعتقادی و پرهیز دادن مردم از شرک در عبادت و پرستش و نیز برای تحقق عدالت اخلاقی و جلوگیری از ناهنجاری‌ها و انحرافات رفتاری و نیز برای تحقق عدالت اجتماعی و رفع ظلم و ستم در جامعه بشری و نجات مظلومان و همچنین برای تحقق عدالت سیاسی و حکومت شایستگان و در یک کلمه تحقق عدالت در همه حوزه‌های فردی و اجتماعی مبعوث شده‌اند ولی تاریخ ایشان شاهد است که به دلائل مختلف، پیامبران خدا از تحقق کامل این هدف بازماندند و هم‌چنان ظلم و بی‌عدالتی در جوامع بشری حکمفرماست.

الف) حکومت مهدی ظرف تحقق عدالت قرآنی

در چشم‌انداز آینده جهان، تحقق عدالت جهانی، قطعی و حتمی است و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت پاک او از روزگاری خبر داده‌اند که عدالت همه زمین را پر خواهد کرد و آن در زمان ظهور مهدی آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛^۱ به بیان دیگر به اعتقاد مسلمین در چشم‌انداز آینده اسلام حکومتی به پا خواهد شد که به تعبیر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و به نقل متواتر از فریقین: *يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجورًا*؛^۲ یعنی با ظهور او، عدالت حقیقی، فراگیر خواهد شد و همه ابعاد زندگی بشر را در بر خواهد گرفت و به بیان دیگر در آن حکومت هدف بزرگ انبیاء و اولیاء، تحقق عملی و عینی خواهد یافت.

ب) عدالت و مهدویت دو حقیقت جدایی‌ناپذیر

روایات فراوانی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، مهدویت و عدالت را در کنار هم قرار داده است تو گویی که این دو حقیقت، دو روی یک سکه‌اند و دو واقعیت جدایی‌ناپذیر؛ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره ظهور مهدی عَلَيْهِ السَّلَام با هدف اجرای عدالت فراگیر فرموده‌اند:

هرگاه از دنیا به جز يك روز باقی نمانده باشد خدای متعال آن روز را طولانی می‌فرماید تا

۱. در کتاب منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر جلد اول، روایات فراوانی از منابع عامه از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده است که مضمون آنها بشارت به ظهور مهدی و عدالت جهانی در زمان اوست مانند روایت: «يُخْرِجُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي يَؤُودِيَّ اسْمُهُ إِسْمَاعِيلُ، وَخَلَقَهُ خَلْقِي، فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجورًا» (مسند البزار: ج ۱، ص ۲۸۱) علی ما فی هامش الطبرانی الکبیر؛ صفة المهدی لأبی نعیم: علی ما فی عقد الدرر؛ أربعون أبا نعیم: علی ما فی کشف الغمّة (المعجم الکبیر: ج ۱، ص ۱۶۸، ح ۱۰۲۲۹؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۱۷۰). و نیز روایات فراوان دیگری در همین مورد در مجلدات بعدی این کتاب به ترتیب امامان از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام تا امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام نقل گردیده است که نمونه‌هایی از آن در متن آمده است.

۲. ر. ک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۸۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق: ۶۹؛ صدوق، ۱۳۹۵ق: ۱، ج ۱، ۲۲؛ صدوق، ۱۳۷۶ش: ۲۶.

مردی از خاندانم که همنام من است ظهور کند و دنیا را چنان چه پر از ظلم و جور شده، از عدل و داد پر کند.^۱

و نیز امام امیرالمؤمنین علیه السلام در معرفی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اهداف او فرموده‌اند: به یقین او (مهدی) حاکمان ظالم و جائر را برکنار می‌کند و زمین را از گمراه‌کنندگان و نیرنگ‌بازان پاک می‌گرداند و به عدالت رفتار می‌کند و ترازوی عدل را برقرار می‌کند.^۲

بنابراین هم اصل اجرای عدالت به وسیله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و هم قطعی بودن آن و هم کمّ و کیف و گستردگی آن نسبت به همه حوزه‌های زندگی بشر به روشنی در روایات آمده است و بیانگر این حقیقت است که قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ادامه بعثت انبیاء الهی و در پی‌گیری اهداف ایشان است و این حرکت از نظر غایت و هدف نهایی با آنچه قرآن به عنوان هدف بعثت انبیاء بیان کرده، کاملاً هماهنگ است. بنابراین ادعای ما این است که قرآن کریم نه با صراحت که با توصیف مهدویت در قالب اهداف و انگیزه‌ها به بیان این آینده روشن پرداخته است و به تعبیر دیگر همه رویکرد قرآن در مسئله عدالت‌خواهی خدا و نیز سخن از اهداف انبیاء در اجرای عدالت در جامعه بشری، به نوعی تبیین مهدویت به عنوان آینده موعود بشر است.

۲. قرآن و مسئله عبودیت

قرآن کریم در آیات متعدد، به جز عدالت، هدف مهم و اساسی دیگر برای بعثت انبیاء را رساندن مردم به مقام عبودیت و بندگی خداوند بیان کرده و در این زمینه می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...﴾^۳

چنان‌که غایت خلقت و آفرینش جن و انس را عبادت خدا معرفی کرده است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶).

بدیهی است که خداوند حکیم برای تحقق هدف خلقت، برنامه‌هایی دارد و بایسته است

۱. لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ فِيهِ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي يَوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي يَمْلُؤُهَا عدلاً وَ قِسْطاً كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۴۰).

۲. ... وَ لِيُعْزِلَنَّ عَنْكُمْ أَهْرَاءَ الْجَوْرِ وَ لِيُظْهِرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ وَ لِيَعْمَلَنَّ بِالْعَدْلِ وَ لِيَقُومَنَّ فِيكُمْ بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ (ابن میثم بحرانی، ۱۴۲۰ق: ج ۳، ۹).

۳. و همانا ما در میان هراتمی پیامبری را برانگیختیم (تا به مردم بگویند) که خدا را بپرستید و از طاغوت (و هر معبودی جز خدا) دوری نمایند (نحل: ۳۶). مانند مانده: ۷۲؛ اعراف: ۵۹، ۶۵، ۷۳ و ۸۵؛ مؤمنون: ۲۳؛ عنکبوت: ۱۶؛ ذاریات: ۶.

که در نظام تشریح حق، برنامه روشنی برای تحقق کامل عبودیت انسان تدوین شده باشد که کی و کجا و با چه مکانیزمی بشر می‌تواند به عبودیت الله دست پیدا کند؟
قرآن کریم در آیه‌ای دیگر به این سؤال پاسخ داده است و در قالب یک وعده حتمی و قطعی از چگونگی اجرایی و عملی شدن این هدف سخن گفته است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۱

در این کریمه با صراحت خبر داده است که در آینده جهان، حکومت زمین از آن مؤمنان صالح خواهد بود و دین حاکم بر عالم، دین مورد رضای حق (اسلام) بوده و خوف و نگرانی‌ها از بخش‌های مختلف زندگی مؤمنان رفته و امنیت فراگیر بر ایشان حاکم خواهد شد و شاهد اصلی بحث در فراز پایانی آیه است که نتیجه استخلاف مؤمنان و تمکن دین اسلام و رفع خوف از اهل ایمان را تحقق عبودیت کامل و نفی هرگونه شرک از جامعه دانسته است.

۳. عبودیت، آرمان بلند حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

آیه فوق هم به دلیل قرائن داخلی و هم با شواهد تاریخی بر حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف تطبیق شده و مطابق تقریر و بیان شیوای علامه طباطبایی در *المیزان* تنها مصداق آن حکومت آن بزرگوار است چرا که آنچه به عنوان وعده خدا برای مسلمین در این آیه بیان گردیده در هیچ یک از مقاطع تاریخ اسلام تاکنون، رخ نداده است و این تأییدی است بر هماهنگی و یکسانی اهداف حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف با اهداف انبیاء در قرآن.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در جمع‌بندی تفسیر آیه می‌نویسد:

خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده می‌دهد که به زودی جامعه‌ای برای‌شان تکوین می‌کند که جامعه به تمام معنا صالح باشد، و از لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد، زمین را ارث برد و در عقاید افراد آن و اعمال‌شان جز دین حق، چیزی حاکم نباشد، ایمن زندگی کنند، ترسی از دشمن داخلی یا خارجی نداشته

۱. خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد، همان‌گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی‌ترس‌شان امنیت را جایگزین کند، تا (تنها) مرا بپرستند و چیزی را شریک من نکنند... (نور: ۵۵).

باشند، از کید نیرنگ بازان، و ظلم ستمگران و زورگویی زورگویان آزاد باشند و این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده، و دنیا از روزی که پیامبر ﷺ مبعوث به رسالت گشته تاکنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی ﷺ خواهد بود، چون اخبار متواتری که از رسول خدا ﷺ و ائمه اهل بیت ﷺ در خصوصیات آن جناب وارد شده از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱۵، ۲۱۵).

بنابراین، علاوه بر دلالت آیه بالا، در روایات فریقین آن‌گاه که درباره مهدی ﷺ و دولت او در آخرالزمان بحث می‌شود در رأس اهداف آن حضرت تشکیل جامعه‌ای الهی و عاری از هرگونه شرک تصریح شده است:

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: سُئِلَ أَبِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يِقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً، حَتَّى لَا يَكُونَ مُشْرِكٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ، ثُمَّ قَالَ إِنَّهُ لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلَ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا سِيرَى مَنْ يَدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَيْسَ بَلْعَنَ دِينِ مُحَمَّدٍ ﷺ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ كَمَا قَالَ اللَّهُ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۱، ۵۵).

و این حقیقت به معنی تحقق جامعه آرمانی پیامبران و تحقق هدف بزرگ آفرینش در دولت امام مهدی ﷺ است و این نکته مهم را می‌رساند که مهدویت، در راستای شکل‌گیری جامعه مطلوب پیامبران خداست و مهدی ﷺ بر اساس همان رسالت‌ها و مأموریت‌های انبیاء قیام خواهد کرد و منویات ایشان را عملی خواهد ساخت.

در بیانی جامع از امام علی ﷺ نقل شده است:

(وقتی مصلح موعود قیام کند) خواسته‌ها و هواهای نفسانی را به هدایت برمی‌گرداند (و تابع وحی می‌کند) آن‌گاه که مردمان هدایت را تابع هواهای خویشتن قرار دهند و نظریه‌ها و افکار مختلف را تابع قرآن می‌سازد هنگامی که تفسیر به رأی کنند و نظریه‌های خود را برتری دهند و به قرآن تحمیل نمایند.^۱

و این همان برگرداندن مردم به دایره عبودیت و بندگی خداست زیرا بندگی خداوند تنها بر اساس عمل به قرآن و نفی هواهای نفسانی امکان‌پذیر است.

۱. يعطف الهوى على الهدى اذا عطفوا الهدى على الهوى و يعطف الرأى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الرأى (نهج البلاغه: ۱۹۵).

نتیجه‌گیری

از مجموعه بیانات بالا روشن شد که دو هدف عمده برای بعثت انبیاء مطابق آیات قرآن کریم، عدالت‌گستری در جهان و عبودیت خالص برای خداست و همین دو هدف به عنوان اهداف کلان قیام و انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام در روایات مهدویت بیان گردیده است و از تطبیق و تقریب این مجموعه روشن می‌شود که آنچه قرآن از عبودیت و بندگی و نیز عدالت و ابعاد مختلف آن فرموده و آن را به عنوان اهداف بزرگ انبیاء الهی معرفی کرده و این اهداف هیچ‌گاه در تاریخ انبیاء و شکل‌گیری جوامع مختلف، تحقق نیافته است و در چشم‌انداز آینده جوامع انسانی تنها می‌توان به جامعه‌ای که در آن ولی خدا به حکومت برسد و تمام دین حق را حاکم گرداند امید بست که این اهداف قرآنی محقق شود. بنابراین این‌گونه بیان درباره اهداف، به معنی ترسیم مهدویت در قرآن در قالب اهداف و برنامه‌هاست.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبة*، تهران: نشر صدوق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الامالی*، تهران: کتابچی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: اسلامیه.
۴. بحرانی، ابن میثم (۱۴۲۰ق)، *شرح نهج البلاغه*، بیروت: منشورات دارالثلثین.
۵. تفتازانی، سعدالدین (۱۴۰۹ق)، *شرح المقاصد فی علم الکلام*، قم: الشریف الرضی.
۶. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۸۰ش)، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، قم: دفتر آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی.
۷. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴ش)، *تفسیر المیزان*، ترجمه: محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی.
۹. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۱۰. القفاری، ناصر (بی‌تا)، *اصول مذهب الشیعه: عرض و نقد*، بی‌جا: بی‌نا.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

١٢. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى (١٤٠٣ق)، بحار الانوار، بيروت: دار احياء التراث العربى .
١٣. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان (١٤١٣ق)، الارشاد فى معرفة حجج على العباد، قم: كنگره شيخ مفيد.

